

اتوبوس های مهربان



تکریم و احترام گذاشتن به سالمندان در اتوبوس



اتوبوس خط ۲ رو به اتوبوس خط ۴ کرد و گفت: امروز خیلی خوش حال هستم، برای این که صحنه ای را دیدم. البته اول کمی نگران شدم، اما بعد

اتوبوس خط ۴ پرسید: چه صحنه ای؟

اتوبوس خط ۲ گفت: امروز در ایستگاه اوّل، چند جوان سوار شدند و در ایستگاه بعدی یک پیرمرد سوار شد. یک کیسه که ظاهراً خرید کرده بود هم در دست داشت. همه ی صندلی ها پر شد و جایی برای نشستن پیرمرد نبود.

پیرمرد با دست لرزان سعی داشت میله ی وسط اتوبوس را محکم نگه دارد تا نیفتد. من هم حواسم بود که آرام حرکت کنم که اتفاقی برای پیرمرد نیفتد.

حواسم به جوان ها هم بود، دائم منتظر بودم که یکی از آن ها جایش را به پیرمرد بدهد. اما دیدم حتی یکی دونفرشان سعی داشتند نگاهشان را از پیرمرد بدزدند و حواسشان را پرت کنند و از شیشه بیرون را تماشا کنند.



خیلی دلم گرفت، داشت گریه ام می گرفت که ناگهان یکی از جوان ها از جایش بلند شد و با احترام گفت: پدر جان شما بفرمایید و اینجا بنشینید و برقی در چشمان پیرمرد درخشید و خوش حال شد و کلی پسرجوان را دعا کرد و روی صندلی نشست.

من هم خیلی خوش حال شدم که هنوز مهربانی در دل مردم جای دارد و احترام گذاشتن به بزرگترها را به خوبی رعایت می کنند.



اطمینان از شارژ بلیط کارت، قبل از سوار شدن به اتوبوس و عدم پرداخت پول نقد به راننده

اتوبوس خط ۵ با ناراحتی وارد پارکینگ اتوبوس ها شد، همه ی اتوبوس ها تعجب کردند چون او معروف بود به اتوبوس خوش حال.

وقتی رسید، در جای مخصوص خودش پارک کرد. بقیه ی اتوبوس ها از او پرسیدند: چی شده؟ چرا اینقدر ناراحتی؟ اتفاقی افتاده؟

اتوبوس خط ۵ گفت: امروز خیلی سرم درد گرفته! آخه یک مسافر که در ایستگاه سوم سوار شد وقتی خواست کارتش را بزند، سرم سوت کشید و رنگم پرید. چون کارتش شارژ نداشت و با زدن آن، چراغ قرمز روشن شد و سوت بلندی کشید. از آن موقع حالم خیلی بد است. کاش مسافران قبل از سوار شدن به اتوبوس، از شارژ کارتشان اطمینان داشته باشند که باعث ناراحتی ما اتوبوس ها نشوند.

همه اتوبوس ها از این وضعیت تأسف خوردند و سعی کردند که اتوبوس خط ۵ را دلداری بدهند.

اما ناگهان انگار که اتوبوس خط ۵ مطلب جدیدی یادش آمده باشد، گفت: تازه.....! می خواست به راننده پول نقد هم بدهد. آن جا هم مسافر با راننده کلی بحث کرد.....

والای، سرم از اتفاقات امروز خیلی درد می کند!



خوردن خوراکی و سیگار کشیدن در اتوبوس، ممنوع!

در همین موقع اتوبوس خط ۳ زد زیر گریه و گفت:
امروز یک آقای با پسر بچه اش در ایستگاه ایستاده بودند. از دور دیدمشان و خیلی
نگران شدم که نکنند بخواهند سوار شوند؛ اما متأسفانه سوار شدند.
همه اتوبوس ها تعجب کردند و پرسیدند چرا؟ مگر چطوری بودند؟
اتوبوس خط ۳ با بغض گفت: آخه آقا سیگار می کشید و پسرش هم داشت پفک
می خورد که با دست های کثیفش وارد شد.
وقتی نشست، پفک را خورد و کاغذش را همان جا زیر صندلی انداخت. چند لحظه
بعد هم شروع کرد با کفش از روی صندلی ها حرکت کرد تا از پنجره بیرون را تماشا
کند. همه شیشه هایم را با دست هایش چرک و کثیف کرد.



همه ی مسافران هم به سیگار کشیدن آقا اعتراض کردند، ولی آقا خیلی بد رفتار کرد و با آن ها جر و بحث کرد.
من از این که بوی دود سیگار گرفته بودم، داشتم خفه می شدم و از وضع شیشه ها و صندلی های کثیفم هم خیلی ناراحت شدم.
چون تمیزی من حق همه شهروندان است و باید همه رعایت کنند. باید از صندلی های تمیزم لذت ببرند. تازه با شیشه های کثیف من هم که نمی شود شهر را درست دید.



رعایت نظافت ایستگاه اتوبوس و عدم پارک ماشین در ایستگاه!

اتوبوس خط ۶ با قیافه ای به هم ریخته و داغون وارد پارکینگ شد. رفت و در جای خودش پارک کرد و همان موقع خوابش برد.

اتوبوس ها در مورد اتوبوس خط ۶ با هم پیچ می کردند، اما بعد سکوت کردند تا اتوبوس خط ۶ خودش از خواب بیدار شود.

نیم ساعتی گذشت تا او بیدار شد. اتوبوس خط ۷ رو به او کرد و گفت: حالت خوبه؟ ما خیلی نگران شدیم!

اتوبوس خط ۶ آهی کشید و گفت: امروز صبح که از پارکینگ بیرون رفتم، باران شروع کرد به باریدن. چند تا ایستگاه را رفته بودم که کف خیابان کاملا خیس شد و آب زیادی جمع شده بود.

به ایستگاه بعدی که رسیدم، چون هوا سرد بود درهای شیشه ای ایستگاه بسته بود. چندین ماشین هم در جلو ایستگاه پارک بود، به خاطر همین، من از ایستگاه رد شدم و رفتم.



کمی جلوتر صدای مردی را شنیدم که داد می زد و می گفت: وایساااااااااا.....!

از آینه بغل که نگاه کردم، مردی را دیدم که دنبال من می دوید.

گیج شدم و خواستم ترمز کنم، اما چون خیابان خیس بود سرخوردم و نزدیک بود با ماشین جلویی تصادف کنم.

همه مسافرانم ترسیده بودند. موتورم همین طور تند تند می چرخید و خودم هم خیلی ترسیده بودم.

مرد که نزدیک شد، چند نفر دیگر هم آمدند و سوار شدند و با داد و بیداد گفتند چرا نایستادی؟

راننده گفت: کسی نبود!

اما بعد معلوم شد، آنقدر شیشه های ایستگاه اتوبوس کثیف بوده که من و راننده فکر کردیم مسافری در ایستگاه نیست. ماشین های پارک شده در ایستگاه هم باعث شدند که من نتوانم حتی لحظه ای ترمز کنم و به داخل ایستگاه نگاه کنم. به خاطر همین ایستگاه را رد کردم و این اتفاق افتاد.



قبل از رسیدن به ایستگاه، زنگ را بزنیم! در پله های اتوبوس نایستیم!

در همین موقع اتوبوس خط ۴ که تا آن لحظه داشت به حرف های اتوبوس خط ۶ گوش می کرد، گفت: امروز برای من روز شلوغی بود و مسافران زیادی را جابه جا کردم. تازه از ایستگاه گذشته بودم که یک دفعه پسر بچه ای از وسط جمعیت بلند گفت: نگه دارید، نگه دارید، من پیاده می شوم...

اما من دیگر نمی توانستم خارج از ایستگاه بایستم و پسر مجبور شد در ایستگاه بعدی پیاده شود، او حتی مجبور شد تا ایستگاه قبلی را پیاده برگردد؛ فکر کنم آن روز دیر به مدرسه رسید.

واللهی که چه روز شلوغی بود، یکی از مسافران هم روی پله ی ورودی در ایستاده بود و من دائماً نگران بودم که نکند آن آقا بیفتد و آسیبی ببیند! اما خوشبختانه در ایستگاه بعدی پیاده شد و خیال من هم راحت شد. چرا مسافران نمی دانند که ما اتوبوس ها نگران سلامتی آن ها هستیم.



ارتباط مناسب کلامی و رفتاری با رانندگان اتوبوس

اتوبوس خط ۱ که تا آن لحظه ساکت بود، با لبخندی از ته دل گفت: اما من امروز صحنه ای را دیدم که خیلی لذت بردم. برای شما تعریف می کنم تا خستگی از تن همه ی شما بیرون بیاید و سختی های امروز را فراموش کنید.

امروز ظهر که مدرسه ها تعطیل شد، همه ی ایستگاه ها پر از دانش آموز بود. راننده هم خیلی خسته شده بود، چون از صبح کلی با هم در خیابان ها مسافر جا به جا کرده بودیم. راستش را بخواهید من هم دیگر خسته بودم و خدا خدا می کردم هر چه زودتر شیفت کاریم تمام شود تا به پارکینگ بیایم و استراحت کنم.

اما چون بچه های دانش آموز را دوست دارم، سعی کردم خستگی ام را نشان ندهم. به یکی از ایستگاه ها که رسیدم، تعداد زیادی دانش آموز ایستاده بودند. در میان دانش آموزان که همه تلاش می کردند زودتر سوار شوند، ۲ دانش آموز را دیدم که صبر کردند تا آخری سوار شوند. وقتی وارد شدند با احترام و با صدای بلند به آقای راننده سلام کردند و یک شاخه گل به او دادند. راننده از این کار بچه ها خیلی خوش حال و ذوق زده شد و از آن ها تشکر کرد.

من هم از این همه ادب و احترام بچه ها کلی لذت بردم و خستگی از تن من و آقای راننده بیرون آمد.



سوالات مسابقه

۱. علت ناراحتی اتوبوس همیشه خوش حال چه بود؟

(۱) خوردن خوراکی توسط مسافر

(۲) سیگار کشیدن

(۳) شارژ نداشتن کارت مسافر

(۴) عدم احترام به سالمندان

۲. انجام کدام موارد زیر در اتوبوس ممنوع است؟

(۱) استفاده از موبایل

(۲) مطالعه کردن

(۳) صحبت کردن با راننده حین رانندگی

(۴) صحبت کردن با مسافران

۳. چرا سیگار کشیدن در اتوبوس و سایر وسایل نقلیه عمومی ممنوع است؟

(۱) پایمال کردن حقوق سایر شهروندان

(۲) آلوده کردن هوای داخل وسیله نقلیه

(۳) ایجاد مشکل تنفسی برای کودکان و سالمندان

(۴) همه موارد

۴. چرا اتوبوس خط ۶ در ایستگاه توقف نکرد؟

(۱) چون شیشه های ایستگاه کثیف بود و مسافران را ندیده بود.

(۲) در ایستگاه چند ماشین پارک شده بود و جای توقف وجود نداشت.

(۳) باران می بارید و برف پاک کن اتوبوس خراب بود.

(۴) گزینه ۱ و ۲

۵. چرا اتوبوس خط ۲ خیلی خوش حال بود؟

(۱) مسافران نظافت را رعایت می کردند.

(۲) مسافران احترام گذاشتن به بزرگترها را رعایت کرده بودند.

(۳) به تعمیرگاه رفته بود و تازه سرویس شده بود.

(۴) همه مسافران کارت شارژ داشتند.



۶. آیا می دانید ظرفیت اتوبوس های درون شهری جهت جابه جا کردن مسافر، چقدر است؟

(۱) هر اتوبوس درون شهری می تواند بدون هیچ محدودیتی مسافر سوار کند.

(۲) هر اتوبوس درون شهری فقط می تواند به تعداد صندلی هایش مسافر سوار کند.

(۳) حمل مسافر به صورت سرپا و ایستاده برای اتوبوس های درون شهری، مجاز و قانونی نیست.

(۴) حمل مسافر به صورت ایستاده مجاز است ولی مسافران، حق ایستادن در پله های ورودی اتوبوس را ندارند.

۷. روز ۲۶ آذر، چه روزی نام گذاری شده است؟

(۱) روز آتش نشانی و ایمنی

(۲) روز ملی هوای پاک

(۳) روز حمل و نقل عمومی

(۴) روز فرهنگ عمومی

۸. کدام گزینه صحیح است؟

(۱) اتوبوس بین دو ایستگاه می تواند توقف کند.

(۲) اتوبوس به هیچ عنوان نمی تواند بین دو ایستگاه توقف کند.

(۳) راننده اتوبوس، موظف است هر جا که مسافران زنگ زدند سریع توقف کند.

(۴) مسافران می توانند هر جای خیابان که تمایل داشتند، از اتوبوس پیاده شوند.

۹. برای پرداخت هزینه اتوبوس باید چه اقدامی انجام دهیم؟

(۱) قبل از سوار شدن به اتوبوس، از شارژ کارت خود اطمینان داشته باشیم.

(۲) می توانیم به راننده پول نقد هم بدهیم.

(۳) پس از سوار شدن، کارت شارژ خود را امتحان کنیم.

(۴) هم می توانیم از پول نقد و هم از کارت شارژ استفاده کنیم.

۱۰. اتوبوس خط ۱ از چه ماجرای با لذت تعریف می کرد؟

(۱) از احترام گذاشتن مسافران نسبت به سالمندان

(۲) از رعایت نظافت توسط مسافران در اتوبوس

(۳) از ادب و احترام کودکان نسبت به راننده

(۴) از ماجرای جذاب داخل کارواش

جهت شرکت در مسابقه، عدد گزینه های درست را به ترتیب از چپ به راست نوشته و کد هارقمی را به یکی از آدرس های زیر در فضای مجازی فرهنگسرای مهر ارسال فرمایید.

@Kashan-admin

@Mehr-adm

اتوبوس های مهربان



سازمان فرهنگی، ورزشی و تفریحی شهرداری کاشان
فرهنگ سرای مهر